

Essay in Quran on the Issue of Fetal Sex Determination and Morality with the Approach of Elimination of Science and Religion Conflicts

Mahdi Misaghi Nezhad^{1*}, Morteza Abdoljabari¹, Masud Moslemifard Khaledi², Marzieh Karamkhani³

1- Department of Islamic Education, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2- Sevom Shaban hospitals, Damavand, Tehran, Iran.

3- Department of Medical Education, Medical Education School, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Human knowledge is a gift of God and according to the evidences, it can achieve mysterious things thus in addition to proving the Noblest of all creatures, can have apparently conflicts with some verses of the Quran. According to divine verses, God determines fetal gender and it seems sex determination is outside of human control. But today, medical and genetic advances on the one hand and possibility of violation of ethical principles and risks caused in the area of moral and social health on the other hand, have made it a serious challenge in science and religion. The religious perspective can teach a targeted program to make a better human life; a program that according to the progress and development of science, with good performance in behavioral patterns, will justify and frame human intervention in the field of medicine and sex determination. Therefore, in this article, along with an explanation of the issue of sex determination and providence, the human intervention, and its alignment with the religion and relation with mental and social health have been expressed.

Keywords: Science, Authority, Health, Morality

*Corresponding Author: Mahdi Misaghi Nezhad; Email: Misaghin@yahoo.com

جستاری در قرآن با موضوع تعیین جنسیت جنین و اخلاق با رویکرد رفع تعارض علوم تجربی و دین

مهدی میثاقی نژاد^{۱*}، مرتضی عبدالجباری^۱، مسعود مسلمی فرد خالدی^۲، مرضیه کرمخانی^۳

۱- گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- بیمارستان سوم شعبان، دماوند، تهران، ایران.

۳- گروه آموزش پزشکی، دانشکده‌ی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

علم انسان موهبتی الهی است که بنا به شواهد توان دستیابی به ناشناخته‌هایی را دارد که علاوه بر اثبات اشرف مخلوقات بودن آدمی، می‌تواند در ظاهر امر با برخی آیه‌های قرآن تعارض داشته باشد. بر اساس آیه‌های الهی، علم به تعیین جنسیت جنین در اختیار حق تعالی است و یکی از اموری است که ظاهراً راه را بر اختیار انسان در تعیین جنسیت، بسته است. اما امروزه پیشرفت‌های پزشکی و ژنتیکی از یک سو؛ و نیز احتمال تعدی از اصول اخلاقی و خطرهای ناشی از آن در حوزه‌ی سلامت اخلاقی و اجتماعی از سوی دیگر، این مسئله را به چالشی جدی در بحث علم و دین مبدل ساخته است. البته رویکرد و نگاه دینی می‌تواند برنامه‌ی هدفمند برای بهتر و درست‌تر زیستن انسان بیاموزد؛ برنامه‌ی که با توجه به پیشرفت و توسعه‌ی علوم، با عملکرد مناسب در الگوهای رفتاری، اختیار و اراده و مداخله‌ی انسان را در بحث تعیین جنسیت و حوزه‌ی علوم پزشکی، چهارچوب‌مند و توجیه‌پذیر می‌کند. از این رو در این مقاله سعی شده است ضمن اشاره به تعیین جنسیت و مشیت الهی، میزان دخل و تصرف انسان و همسویی این دخل و تصرف، در قالب دین و میزان ارتباط آن با سلامت روانی و اجتماعی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: علم، اختیار، سلامت، اخلاق

مقدمه

اسلامی که بنا بر طبیعت و فطرت انسان استوار است و تغییر و تبدلی در آن پدید نمی‌آید^۱، نه تنها سلامت جسمانی و سلامت روانی فرد را در نظر دارد، بلکه آرامش و سلامت جامعه و عملکرد فرد را در قبال آن نیز نادیده نگرفته است و هیچ‌گاه نگاه یک‌سویه به انسانی که خواستگاه زندگی اجتماعی دارد و نیازمند به اجتماعی زیستن است، نداشته و ندارد؛ بلکه زندگی دینی و معنوی را همراه با اجتماعی زیستن، توأمان با هم توصیه می‌نماید. از این رو رابطه‌های علمی نیز، که برآورد زندگی اجتماعی انسان است، با انسان و زندگی معنوی او و آموزه‌های قرآنی نباید در تضاد و تعارض باشد؛ چراکه بنا بر نظریه‌ی روان‌شناسی، یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان، تأمین معاش و برآوردن نیازهای زیستی‌اش

خلأهای فکری موجود و کم‌کاری در حیطه‌های علمی برای تطبیق آرای علمی روز با علوم دینی، بیش از پیش مسئولیت اندیشمندان حوزه‌ی دین را سنگین می‌کند؛ و البته زمانی که برخی ملحدان و یا دین‌ناباوران به دنبال به رخ کشیدن چالش‌های جدی در این حوزه هستند، باید جدیت بیشتری به خرج داد. از این رو ابتدا باید گفت آیین مقدس اسلام بر اساس رهنمودها و آموزه‌های قرآنی، که تمام قانون‌های آن مطابق طبیعت و سرشت انسان است، سلامت جسمانی و روانی را یک ارزش می‌داند و برای آن اهمیت قائل است و به جای آنکه با بی‌اعتنایی به رعایت اصولی برای چاره‌جویی گرفتاری‌ها باشد، مسئله‌ها را به صورت بنیادی حل کرده تا انسان‌ها راحت‌تر و با آرامش بهتری زندگی کنند.

۱. فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ.

* نویسنده‌ی مسئول مکاتبات: مهدی میثاقی نژاد؛

پست الکترونیک: Misaghin@yahoo.com

انسان آموخته (۶) و نیز به آنچه مربوط به علم و تحدی خدای سبحان در قبال بشر است.

از طرفی، قرآن اساس قانون‌ها را بر توحید فطری و اخلاق فاضله بنا کرده و ادعا می‌کند که تشریح باید بر روی بذر تکوین جوانه زند و رشد کند و منشاء گیرد؛ ولی دانشمندان و قانون‌گذاران، اساس قانون‌ها و نظریه‌های علمی خویش را بر تحول اجتماع بنا نموده‌اند (و در برخی موارد) معنویات را نادیده گرفته‌اند و التفاتی به معارف توحید و فضایل اخلاقی ندارند و به همین دلیل، سخنان ایشان بر سیر تکامل اجتماعی مادی و بی‌روح فضیلت دور می‌زند و چیزی که مورد توجه آن‌ها نیست، کلمه‌ی عالی‌هی «خدا» است (۷).

سرعت و رشد روزافزون علم و فناوری طی دو قرن اخیر و به‌ویژه در عصر حاضر، در طول دوران حیات بشر بی‌سابقه بوده است، که این روند در عین حال که در جهت شکوفایی توانایی بشر است، در صورت نبود توازن در گستره‌ی علوم دینی و تجربی می‌تواند لطمه‌ها و ضربه‌هایی مهلک به جامعه‌ی جهانی و نسل آتی انسان بزند؛ و وضعیتی پدید آورد که تداعی‌گر قرون وسطی و حاکمیت یک‌سویه‌ی کلیسا و به دنبال آن، تکفیر علم باشد. بدین ترتیب این پیشرفت‌ها ممکن است حتی شرع مقدس را نیز تحت الشعاع قرار دهد. همچنین مواردی همچون بروز و بلوغ جنین‌های مصنوعی، تعریف مادر ژنتیکی و مادر حقیقی یا حقوقی، تبعیض و ازدیاد نسل از یک نوع و گونه‌ی خاص و یا یک جنس؛ و نیز تلاش بشر کنجکاو برای دستیابی به تولید نسل دلخواه، حذف انتخاب طبیعی در تولید مثل و ...، همگی از پدیده‌هایی است که نیاز به جدیت و ورود علوم دینی و دادن راهکار منطقی جدید برای رفع سردرگمی اجتماعی و نجات نوع بشر از جنبه‌ی افراط و تفریط را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

تنوع‌طلبی انسان با پیشرفت‌های علمی و احاطه و سیطره‌ی او به علوم تجربی، می‌تواند منجر به انحراف از اصول اخلاقی و زیان‌دیدگی آینده‌ی نسل انسان شود که در این صورت، مخاطره‌های سلامت اجتماعی و اخلاقی را توأمان در پی خواهد داشت. به گفته‌ی شهید مطهری، علم، بی‌ایمان و تقوا همچون تیغی خواهد بود در دست زنگی مست و یا چراغی است در دست دزد در نیمه شب برای گزیده‌تر بردن کالا (۸).

با این وصف، در صورت ترویج و اشاعه‌ی دیدگاه مکتب ماکیاولیسم^۳، که «هدف، وسیله را توجیه خواهد نمود»، یکی از چالش‌های جدی و بزرگ این نوع پیشرفت در عرصه‌ی

است، که در صورت برآورده نشدن این نیازها، بروز مشکل‌های جسمی و روانی در افراد و جامعه اجتناب ناپذیر خواهد بود (۲). مسئله‌ی آگاهی از جنسیت فرزند، از دیرباز یکی از مسئله‌هایی بوده که بشر همواره به دنبال دستیابی بدان بوده است. نوع انسان به دلیل کنجکاو و یا به‌منظور خواست‌ها و امیال خویش، قصد کاوش در این‌باره را داشته است و در پی این موضوع با پیشرفت و توسعه‌ی دانش پزشکی وارد قلمرویی گردیده که شاید دیرزمانی دستیابی به آن غیرممکن می‌نمود. امروزه در سایه‌ی گسترده‌ی دانش‌های پزشکی، زیست‌شناسی و تغذیه، انسان‌ها توانسته‌اند به مرتبه‌هایی از این علوم دست پیدا کنند که نه تنها در تعیین جنسیت جنین، بلکه حتی از طریق علم ژنتیک، در تعیین رنگ چشم نیز دخیل و مؤثر باشند. برای توضیح این موضوع، به‌طور خلاصه باید گفت مردان دو نوع اسپرم تولید می‌کنند، اسپرمی که حاوی کروموزوم X است و اسپرمی که دارای کروموزوم Y است. زن‌ها اما تنها یک نوع تخمک با کروموزوم X تولید می‌کنند. اگر اسپرم X مرد با تخمک زن لقاح کند، فرزند، دختر خواهد شد و اگر اسپرم Y مرد با تخمک زن درآمیزد، جنین حاصله پسر خواهد شد (۳). برای لقاح مصنوعی و ترکیب فوق، این کار با روش‌هایی مانند HVF^۱ و PGD^۲، به‌صورت آزمایشگاهی انجام‌پذیر است. تقسیمات میوزی، مرحله‌ی دو سلولی، تشکیل DNA، تعیین جنسیت کروموزومی و در نهایت تسهیم، که همان سلسله تقسیمات میتوزی و تکثیر سلولی است (۳)، همه از مسئله‌هایی است که با استفاده از علوم تجربی و مداخله‌ی انسان، مشاهده‌شدنی و تأمل‌پذیر است. با وجود این، با استناد به ظاهر آیه‌های قرآن کریم درباره‌ی آگاهی از جنسیت جنین، این علم تحت اراده و اختیار خدای متعال است (۴)؛ و با این استناد، تعارض و تناقضی بین آموزه‌های قرآنی و علوم جدید مشاهده خواهیم کرد، تا جایی که این تعارض، مبانی علمی برخی آیه‌های قرآن را با چالش جدی مواجه می‌نماید. از سوی دیگر، نظام خلقت موجودات و تبیین مشیت خداوند، که نسبت به اعمال بندگان است، یکی از جنجالی‌ترین مباحث‌های کلامی و تفسیری است که با محوریت جبر و اختیار و یا قضا و قدر کمابیش در میان مفسران و فرقه‌های اسلامی (اشاعره و معتزله) وجود داشته و دارد (۵)؛ و می‌تواند اختیار انسان را در این‌باره موجه نماید، که برای این امر نیازمندیم به تشریح و تعاریفی ویژه‌ی مفهوم مشیت، اراده و قدرت خداوند و مخلوقات و نحوه‌ی اختیار انسان در جهت آنچه خداوند به

^۱ IVF (In Vitro Fertilization)

^۲ PGD (Preimplantation genetic diagnosis)

^۳ Machiavellism

ولادت و بعد از مرگ انسان را نیز در بر می‌گیرد. دین همچنین جنبه‌ی سلامت و سعادت مادی و معنوی و همه‌ی بُعدهای زندگی را شامل می‌شود و پاسخگوی نیازهای آدمی است و حتی هدف اصلی رسالت پیامبران هم ارتقای سطح اخلاقی جامعه‌ی بشری بوده است که بنا به روایت مشهور، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «من برای تکمیل اخلاق مبعوث شدم»^۵ (۱۲).

با این دیدگاه، برای رفع مناقشه و چالش‌های موجود در موضوع تعیین جنسیت جنین و نیز برای تبیین رویکرد قرآنی و اسلامی در مواجهه با برخی از دانش‌های پزشکی برای تعیین جنسیت جنین و یا لقاح مصنوعی که منجر به بارداری و تشکیل جنین می‌شود، به پاسخگویی به پرسش‌های ذیل خواهیم پرداخت:

با احاطه‌ی انسان بر علم تعیین جنسیت جنین، اراده و اختیار بشر با اراده و اختیار الهی برای این تعیین، با توجه به آیه‌های قرآن چگونه قابل جمع است؟ حیطة و قلمرو علم بشر تا چه اندازه است؟ حیطة عملکرد دانش‌های پزشکی به این نحو که در برخی موارد تعارض جدی با آموزه‌های دینی و خطّ قرمزهای اخلاقی دارد، چیست؟ پرسش مهم‌تر اینکه، انجام چنین اموری با این شرایط که احتمال بروز شرها و یا مخاطره‌های زیستی می‌رود و نیز منجر به انجام اموری می‌شود که ممکن است در جهت تخریب فرایند ازدیاد نسل یک جنس از انسان و آسیب‌های اجتماعی باشد، چگونه قابل پیگیری و کنترل خواهد بود؟

اشاره به جنسیت جنین با مفهوم مشیت در روایت‌ها و قرآن

با بیان آنچه گذشت، ابتدا لازم است توضیح مختصری نسبت به امر جنسیت در قرآن و مفهوم مشیت داده شود. بنا به فرموده‌ی خداوند متعال^۶ (۱۳)، حضرت حق به هر کس که بخواهد، دختر عطا می‌کند و به هر کس که بخواهد، پسر می‌بخشد و هر آن که را بخواهد، عقیم و نازا می‌آفریند. اما برای چگونگی مداخله‌ی انسان در تعیین جنسیت، ابتدا باید کلمه‌ی مشترک این آیه، که «شاء» و «یشاء» است، را تبیین بنماییم و با تشریح این موضوع، که بنا بر اراده‌ی تشریحی الهی است، به بحث اصلی بپردازیم.

پزشکی، ظهور و بروز ابزارهای است که نه تنها می‌تواند عامل آسیب سلامت اجتماعی نوع بشر باشد، بلکه سلامت نسل بشر را نیز بنا به خاستگاه‌های مختلف تهدید خواهد کرد. البته حفظ سلامت موصوف، که تبلور یافته از اضطراب‌های ناشی از این نوع دیدگاه است، مرهون تلاش برای حقیقت‌خواهی و عدالت‌طلبی و بسط آن با نگاه دینی است. شاید تأکید رسول اکرم (ص) درباره‌ی تقسیم علوم به ادیان و ابدان (۹)، از همین رو باشد که پیوستگی بین علوم پزشکی برآمده از علوم تجربی؛ و علوم اخلاقی برآمده از علوم دینی را رقم می‌زند و به عبارتی، سلامت جسم و روان را به یکدیگر پیوند می‌زند، چراکه اشراف بر علوم پزشکی و همگامی آن با علوم اخلاقی، منتج به رعایت شئون انسانی و یا همان حفظ کرامت انسانی می‌گردد، چیزی که در دین اسلام و قرآن کریم بدان تصریح شده است^۱ (۱۰).

اما دیدگاه‌های در مقابل یا در تعارض با نظریه‌های دینی، از جمله لیبرالیسم^۲ و سکولاریسم^۳، موضوع‌هایی بر پایه‌ی آنچه مورد تصریح دین است را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ دیدگاه‌هایی که مبتنی بر عملکرد آزادی‌گرایانه‌ی انسان است و برای نفی دین از مفاهیم دینی بهره می‌گیرد و با تحریف حقایق دین، آن را از محتوا خالی می‌کند، در نتیجه، ماتریالیسم دیرینه را در قالب ماتریالیسم جدید تبلیغ می‌کند (۱۱). پس لازم است تا تشریح مناسبی در این باره صورت گیرد.

دین اسلام، از آن رو که پایان‌دهنده‌ی ادیان الهی^۴ است، همه‌ی نیازهای بشری را که سعادت انسان مبتنی بر آنها است، بیان کرده که با کاوش در منابع دینی می‌توان کلیات و جزئیات آن را استنباط کرد. البته ممکن است برخی سعادت را در دایره‌ی معنای لغوی بیان نمایند، در حالی که ترجمان دینی و اخلاقی سعادت منجر به ایجاد سلامت خواهد شد و سلامتی که حاکم بر بعد روح و جسم، به صورت موازی باشد، کارکردی یکسان هم خواهد داشت. بنابراین، دین فراتر از موضوع‌های عبادی فردی و رابطه‌های اخلاقی افراد، دارای معارف عدیده‌ی نیز هست، تا آن‌جا که برای بهبود سلامت جامعه و ریشه‌ی برد خوردن با عامل‌های غیراخلاقی، زمینه‌ها و دستورات عمل‌ها را اندیشیده است؛ به گونه‌ی که شرایط قبل از

^۱ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ.

^۲ Liberalism

^۳ Secularism

^۴ البته واژه‌ی ادیان، مسامحه است؛ چرا که طبق مستند قرآنی، دین نزد خدا یکی است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) و آنچه که متفاوت شده و در طول یکدیگر است، شریعت‌های گوناگون است.

^۵ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

^۶ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ.

امام موسی کاظم(ع) مشیت و اراده را دو نوع می‌داند: حتمی و عزمی(۲۳). برخی هم آن را به صورت تشریحی و خواست تکوینی دانسته‌اند که در تشریحی، عامه‌ی مردم مورد اشاره و خطاب خواهند بود و در تکوینی، مردم بر اساس اراده و اختیار خود، راه را انتخاب می‌کنند(۲۴ و ۲۵).

در قرآن، آیه‌های فراوانی دالّ بر تسلط کامل خداوند بر امورات هستی وجود دارد که همه‌ی اتفاق‌های عالم را بر اساس مشیت الهی معرفی نموده است و انسان را بی هیچ‌گونه اختیاری نشان می‌دهد؛^۱ که این آیه‌ها از مستندات دیدگاه اشاعره است. اما در کنار این آیه‌ها، آیه‌هایی نیز وجود دارد که انسان را صاحب اختیار معرفی کرده و او را عامل تغییر در سرنوشت خود می‌داند؛ از این‌رو برای انسان مسئولیت‌هایی معین کرده و ثواب و عقاب بر آن‌ها مترتب نموده است.^۲ این آیه‌ها نیز از مستندات دیدگاه مفسّره است. پس بنا بر اعتقاد شیعه و امامیه باید گفت: اختیار انسان، اختیار مطلق و در عرض مشیت خدا نیست و مشیت الهی در افعال بندگان، فاعل اولی است. همچنین اگر بپذیریم انسان، مجبور محض است، می‌باید نظریه‌ی اشاعره را هم بپذیریم که در این صورت، ثواب و عقاب و امر و نهی و تکلیف و جزا، مفهومی بیگانه انگاشته خواهد شد^۳(۲۶). پس قطعاً نظام آفرینش نه بر اساس جبر و اجبار و نه بر اساس تفویض و اختیار کامل است^۴(۲۷). یعنی قدرت، عقل، شعور، آزادی در انتخاب و اراده‌ی ما، از خداوند است و در طول اراده و مشیت الهی قرار دارد و معلول آن خواهد بود؛ زیرا خداوند تمام مقدمات و لوازم اراده و اعمال آن را در اختیار ما قرار داده و انسان با اذن الهی و اختیار خود، مقدمات لازم را فراهم نموده و با تصمیم خویش در انجام یا ترک امور عمل می‌نماید.

البته لازم به ذکر است که تعیین جنسیت با روش‌هایی مانند رژیم غذایی، تنظیم زمان آمیزش، لقاح مصنوعی یا تزریق اسپرم و... که همگی این موارد در حد استعداد بشری و در حوزه‌ی علوم تجربی است، فی‌نفسه اشکالی ندارد، اما به اتفاق نظر فقیهان و مراجع، فقط مستلزم این است که نگاه یا لمس حرام یا مفسده‌ی دیگری نداشته باشد، که این، از نظر عقلی نیز منطقی خواهد بود.^۵ از همین‌رو است که خلقت و

«مشیت» از ماده «شیء»، مصدر «شاء، یشاء» است که در لغت از آن به «اراده» تعبیر شده؛ و در اصطلاح، به معنی تمایل یافتن به سوی چیزی است تا حدّی که به طلب آن چیز منجر شود. از آن‌جا که این لفظ در نزد متکلمان از الفاظ مشترک بین خدا و خلق است، راغب اصفهانی آن را به معنی «ایجاد کردن شیء» و «اصابت کردن» معنا نموده، با این تفصیل که مشیت درباره‌ی خدا به معنی ایجاد و وجود شیء است و در صورتی که برای انسان‌ها استعمال گردد، به معنی اصابت است(۱۴). بنابراین، نکته‌ی اول در معنای مشیت، این نیست که انسان در مرحله‌ی اولیه، ایجاد شیء خواهد کرد.

صفت مشیت و علم و اراده در خداوند

مشیت و صفت اراده به یک معنا است(۱۵). در مواردی، برخی علم و مشیت را یکی دانسته‌اند؛ اگرچه مقوله‌ی علم، مبحثی مفصل می‌طلبد، ولی در روایتی از امام صادق(ع) می‌توان آن را تشریح نمود. ایشان فرموده‌اند: «علم همان مشیت نیست، آیا نمی‌بینی که می‌گویی فلان کار را انجام خواهیم داد این شاء الله؛ و نمی‌گویی فلان کار را انجام خواهیم داد این علم الله. اینکه ان شاء الله می‌گویی، دلیل بر این است که خدا هنوز نخواست است و اگر بخواهد همان خواهد شد که تو خواسته- ای. در حالی که علم خدا سابق و پیش از خواستن و مشیت او است»(۱۶). همچنین طبق تعریف و اثبات علم ذاتی خداوند، خدای متعال علاوه بر علم حضوری به ذات خویش، علم حضوری تفصیلی به اشیا در مرتبه‌ی ذات خود قبل از ایجاد اشیا نیز دارد(۱۷). امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ چیزی در زمین و آسمان موجود نمی‌شود جز به واسطه‌ی این هفت چیز: ۱- مشیت، ۲- اراده، ۳- قضا، ۴- قدر، ۵- اذن، ۶- کتاب و ۷- اجل»(۱۸).

همان‌طور که گفته شد، منظور از مشیت در لغت، ایجاد شیء است و هر گاه اراده‌ی خداوند بر اساس علم، به مصلحت انجام کاری تعلق گرفت، ایجاد می‌شود(۱۹). مقصود از قضای الهی نیز همان حکمی است که به وجود چیزی تعلق خواهد گرفت(۲۰). بدین ترتیب مسلم است که خواستن با دانستن متفاوت است؛ از این‌رو می‌توان گفت که علم، مرتبه‌ی بالاتر از مشیت الهی خواهد بود. همان‌طور که امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند همیشه دانا و عالم بوده، سپس اراده کرده است»(۲۱). در واقع باید گفت همه چیز به مشیت خدا است، ولی مشیت خدا بر اصول و نظامی تعلق گرفته است؛ یعنی همه چیز به مشیت الهی است ولی برای هر چیزی شرایط و نظامی قرار داده و برای هر مقصدی راه معینی قرار داده که بی رفتن آن راه، محال است انسان به آن مقصد برسد(۲۲).

۱ برای نمونه می‌توان به این آیه‌ها اشاره نمود: آل عمران/ ۲۶، مائده/ ۴۰، رعد/ ۲۶ و ۳۹، انسان/ ۳۰، ابراهیم/ ۴، و ...

۲ برای نمونه می‌توان به این آیه‌ها اشاره کرد: انفال/ ۵۱، حج/ ۱۰، فصلت/ ۴۶، ق/ ۲۹، و ...

۳ باب «الامر بین الامرین».

۴ «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین».

۵ ر.ک. رساله‌ی عملیه مراجع و استفتائات.

دارد و اگر انسان به چیزی علم و احاطه پیدا می‌کند، به مشیت و اراده‌ی خداوند متعال است، که انسان بر اساس تجربیات به دست آمده و دانش‌های کشف شده، به آن دست می‌یابد.

اما در فراگیری علم انسان، نکته‌ی وجود دارد؛ اینکه قوه‌ی مدرکه‌ی انسان محدود است و نمی‌تواند به تمامی جزئیات حادثه‌های خارجی و امور واقعی با تمامی رابطه‌ها و علت و اسبابش احاطه پیدا کند و به همین دلیل، انسان در هیچ لحظه‌ی ایمن از خطا نیست. علاوه بر اینکه استكمال انسان تدریجی است و هستی او به تدریج رو به کمال می‌رود و این، خود سبب شده که معلومات انسان نیز اختلاف تدریجی داشته باشد و از نقطه‌ی نقص به سوی کمال برود (۴۰). پس علوم نیز قطعاً به تدریج برای انسان حاصل خواهد شد، همان‌طور که طبق موضوع این بحث، دیرزمانی اطلاعاتی نسبت به کروموزوم و DNA و جزئیات تشکیل جنین به این وسعت وجود نداشتند اما با توجه به گستره‌ی علوم و تجربیات به دست آمده در رشد علمی بشر، دستیابی به این مرحله میسر گردیده است. با این حال، نکته‌ی مهم این است که انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند با تجربه و حس، به منبع فرمان‌های صادره از یک گامت، که کاملاً آگاهانه و هدفمند برای رسیدن به گامت دیگر برای تشکیل ماده‌ی ابتدایی جنین و تعیین جنسیت تلاش می‌کند، دست یابد.

نقش دین در حیطه‌ی تعیین جنسیت و سلامت

آنچه تا کنون گفته شد، حدود و میزان علم انسان و سیطره‌ی او بر دانش‌های مختلف، از جمله پزشکی؛ و نیز چگونگی نقش او در تعیین جنسیت، بر اساس آیه‌های قرآن کریم بود. اما اینکه نقش و تأثیر دین که منبعی اخلاقی است، در این زمینه چیست و چه کاربردی می‌تواند داشته باشد، بحثی است که بدان خواهیم پرداخت. با توجه به آیه‌های مختلفی مثل «لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» که در قرآن با مضمون ارشاد و امر انسان به تعقل و تفکر وجود دارد، می‌توان درباره‌ی قدرت و تسخیر انسان گفت که شاید رابطه‌ی تفکر و تسخیر این باشد که در انسان قدرتی نهفته است که می‌تواند تمام مظاهر طبیعت را به نفع خود تصرف کند و این قدرت با اندیشه به کار می‌افتد (۴۱). با این نوع از بیان آیه‌ها، می‌توان این‌گونه دریافت که دستورها و توصیه‌های دینی از مبانی ساختاری تعقل و تفکر در حوزه‌ی علم است و باید از نگرش و تعقل دینی برای استفاده‌ی ابزاری از علوم بهره جست؛ و این، نکته‌ی بی‌استی است که تعامل علم و دین را گوشزد می‌کند و نگاه تعارض را تعطیل، به‌طوری که می‌توان گفت دین مکمل و راهگشای

تغییرهای حاصل در آن به خالق نسبت داده شده است؛ همان‌طور که در قرآن نیز بسیار از آن یاد می‌شود، مانند آنچه در این آیه‌ها آمده است: «قُلْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ»^۱ (۲۸). «أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ»^۲ (۲۹). «أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ»^۳ (۳۰). «أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ»^۴ (۳۱) و ...

البته نکته‌ی تأمل‌پذیری که نباید از آن غافل شد، اراده‌ی تکوینی الهی در نظام علت و معلولی عالم هستی و مراتب آن و نیز در اختیار انسان است؛ که با همین اختیار است که انسان می‌تواند با توجه به مسخرات و علوم متصرفه‌ی خود و حدود علم و توانایی خویش و نیز با توجه به پیشرفت علوم تجربی، به امور خارق‌العاده‌ی که سال‌ها قبل دستیابی به آن‌ها غیرممکن می‌نمود، دست یابد.

از سوی دیگر، با توجه به مرتبه‌هایی که برای تبیین حدود علم و اختیار انسان اشاره شد، می‌توان طبق آیه‌ی «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۵ (۳۲)، این‌گونه اشاره کرد که مسخرات، همان نعمت‌های الهی است که مورد استفاده قرار گرفته و بهره‌مندی از آن ممکن است (۳۳)؛ چه نعمت ظاهری که مشاهده می‌شود، چه نعمت باطنی که جز با دلیل و دقت معلوم نمی‌گردد (۳۳). کلمه‌ی «جمیعاً» نیز تأکیدی است برای آنچه در آسمان‌ها و زمین است (۳۴). در واقع هر آنچه که خدای متعال خلق نموده است، صرفاً برای وجود انسان و به تبعیت از خلق او است (۳۵) و به عبارتی تمام هستی برای بهره‌گیری او خلق شده است (۳۶). البته همه‌ی این‌ها بنا بر میزان و مقدار علمی است که حق تعالی در انسان به ودیعه نهاده. از این‌رو قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۶؛ و بر اساس آیه‌های «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»^۷ (۳۷) و «وَ مَا أَوْتَيْنَهُ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»^۸ (۳۸)، اگر هم چیزی به انسان افزوده می‌شود، در مقابل علم الهی اندک و ناچیز است. چراکه بنا بر آیه‌ی «وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ»^۹ (۳۹)، مبنای خلقت بشر بر روی خط جهل قرار

^۱ بگو، آیا شما داناترید یا خدای متعال؟!

^۲ آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می‌دهید یا ما آفریدگاریم؟!

^۳ آیا شما آن را می‌رویابید یا ما می‌رویابیم؟!

^۴ آیا شما درخت آن را آفریده‌اید یا ما آفریده‌ایم؟!

^۵ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. بقره، ۲۱۶- بقره، ۲۳۲ - آل عمران، ۶۶ - نحل، ۷۴.

^۶ جز اندکی از علم به شما داده نشده است.

^۷ هیچ کس از علم او آگاه نمی‌گردد مگر اینکه او بخواهد.

نمانده است (۴۳)، ولی درباره‌ی عواقب کاری چون تعیین جنسیت و تغییرات فیزیکی در نوع انسانی، که مبحث‌های فقهی و احکام دینی گستره‌ی آن را تبیین می‌نماید، ممکن است در جهت غریزه‌ها و تمایلات مبنی بر تفکرات سکولار و لیبرال، اتفاق‌هایی خارج از اصول اخلاق پزشکی و مورد تأیید دین رخ دهد، که این، تأمل‌پذیر است.

ابزار دین در دانش‌های پزشکی

پس از بررسی نبود تعارض علم و دین درباره‌ی موضوع تعیین جنسیت، نکته‌ی بی‌تأمل‌کردنی است، اینکه با توجه به فطری بودن کنجکاوی بشر در حوزه‌ی علوم تجربی و دستیابی به یافته‌های علمی نوین، شیوه‌های علمی و نوآوری بیشتر آدمی را به رمزگشایی یا تغییر نوع انسانی ترغیب می‌نماید، که نتیجه‌ی آن، به بهانه‌ی تنوع حیات انسان و اصلاح نژاد و یا ارتقای نژاد انسانی، انحراف از اصل و نژاد و بالتبع خروج از دایره زیست انسانی و تکثیر یک‌سویه است که به خطر افتادن سلامت زیستی را به همراه دارد. در این زمینه، ورود دین که میزان و معیار است، لازم می‌نماید. حتی امروزه پژوهشگران و محققان تغییرهایی در نژادهای گیاهی و حیوانی پدید آورده‌اند که به وضوح می‌توان ایرادهای وارده به آن را دریافت و معضله‌های حاصل از آن را که منجر به استفاده نکردن بهینه از این موجودات گردیده است، مشاهده نمود. در واقع گرچه در ظاهر امر می‌توان این دستکاری‌ها را اصلاح نژاد دانست و از آن بهره برداری مقطعی کرد، اما عیب‌های آن به مرور زمان درک خواهد شد. برای مثال می‌توان از برداشت یک محصول کشاورزی فصلی در فصلی دیگر؛ و نیز از باروری با روش‌های غیر طبیعی نام برد، که تفاوت به صورت کمی و کیفی نسبت به محصول مشابه در فصل خود، از زبان کارشناسان آن شنیدنی است (۴۴)؛ گرچه منبع‌های مستند علمی و مقاله‌هایی نیز در این باره پدید آمده است (۴۵).

اما انسان که با همه‌ی ویژگی‌های بیرونی و درونی خود اشرف مخلوقات نام گرفته است، آیا در صورت استکمال دوره‌ی آزمایشگاهی نیز به همان صورت اصیل خود باقی خواهد ماند؟ و یا با فرض عبور از این مشکل و اثبات دلیل‌های علمی، با این شیوه، چه تضمینی نسبت به حفظ گونه با توازن جنسی مذکر و مؤنث وجود دارد؟ و آیا ممکن نیست که مورد تعرض تفکرات مادی‌گرایانه و یا منفعت‌طلبانه قرار گیرد؟ این پرسش‌ها را می‌توان ناشی از مکتب‌هایی دانست که دین را بر پایه‌ی تعارض با علم و یا استقلال ماهوی از آن می‌دانند؛ حال آنکه راه‌های برون رفت از این خطای فاحش، که امکان به خطر افتادن نوع بشر را با خود به همراه دارد، تنها و اختصاصاً

استفاده‌ی صحیح از علم است، بدین ترتیب به صورت کاربردی نقش دین که امری فطری و انکارناپذیر است و عقل سلیم بشری نیز مؤکد و مؤید آن است؛ و نیز نقش اخلاق که برگرفته از دین است، در روش و منش زندگی انسان خودنمایی می‌کند.

با این تفصیل، تنها عامل مؤثر در بازدارندگی از مسیر انحرافی، رعایت اصول اخلاقی و حفظ حریم و شأن انسانی است که اجازه‌ی تخلف از مسیر اصلی را بر دانشمندان خواهد بست. اصول انسانی نیز امری ثابت در تمامی جامعه‌های بشری و دین‌های الهی است که منکران آن برای منافع مادی خود برای انکار آن در تلاشند. البته باید از علم برای رسیدن به شناخت و در مسیر الهی حرکت کردن کمک گرفت؛ به عبارتی دانش را باید زاینده‌ی معرفت و شناخت دانست. اگرچه ممکن است با توجه به محدودیت عمر انسان‌ها، رسیدن به این دانش و معرفت، چندین نسل به طول بیانجامد. ضمن اینکه در سیره‌ی امام علی (علیه السلام) آمده که در کسب علم می‌باید به دنبال آن چیزی رفت که عقل آن را تأیید کند و موجب گمراهی نباشد و بر آدمی وبال نگردد^۱ (۴۲). بدین ترتیب شرع مقدس اسلام نیز بر این موضوع صحنه نهاده است و آشکار است که رفتار کردن خارج از آن، بر خلاف شئون اخلاقی خواهد بود.

با در نظر گرفتن توجه خاص به امور محسوس، که منجر به نتیجه‌ی ملموس نیز می‌گردد و اینکه امور دینی، که غالباً به صورت امور اخلاقی در امر و نهی افراد نسبت به زندگی خود جلوه‌گر است، می‌توان گفت که تمایلات انسانی به دور از شناخت دینی نیز می‌تواند موجب برانگیختن و انبعاث در افعال خارج از حوزه‌ی دین گردد. بدین‌گونه تأثیر علوم تجربی که دایر بر مدار محسوسات است، بنا به تجربه به سادگی به دیگران انتقال‌دانی است و در ترغیب به کاری و یا نهی از عملی می‌تواند کمک بسیاری کند؛ به ویژه در حیطه‌ی علوم پزشکی که اگر توصیه‌ها به انجام عمل و آدابی، بنا بر تجربیات به دست آمده و آزمایش‌های صورت گرفته، باشد، مقبول‌تر و پذیرفته‌تر خواهد بود؛ اما توصیه‌های اخلاقی و دینی که ممکن است هنوز پشتوانه‌ی علمی آن ثابت نشده باشد، شاید مقبولیت عامه در پی نداشته باشد. هرچند پشتوانه‌ی علمی موضوع‌های دینی موجب استحکام بیش‌تر باور عامه‌ی مردم خواهد بود، اما لزومی به بودن حتمی آن نیست. به‌طور مثال، تأثیر منفی ریزگردها و آلودگی هوا در نسل‌های آینده طی مقاله‌های مختلف اثبات گردیده و شک و شبهه‌ی در آن باقی

۱ «کلّ علم لا یؤیّده عقل مضله» و «من زاد علمه علی عقله کان وبالاً»

بدان‌ها، می باید تدقیق و تلاش لازم برای برطرف کردن تعارض‌ها و تحلیل شایسته از دین، در کنار علوم تجربی را از لازمه های فعالیت خود قرار دهند. البته استناد و پایبندی به سوگندنامه‌های متداول پزشکی، که امور اخلاقی و به نوعی الهیات و امور دینی را گوشزد می‌نماید، می‌تواند یکی از راهکارهای پیشگیری از تخطی از اصول پزشکی شمرده شود. برای نمونه می‌توان به سوگندنامه‌ی تنظیمی وزارت بهداشت اشاره کرد:

«من در برابر قرآن کریم به خداوند قادر متعال، خدایی که بر همه‌ی امور آگاه است و تمامی موجودات در قبضه‌ی قدرت او است، سوگند یاد می‌کنم که به احکام مقدس اسلام و حدود الهی به دیده‌ی احترام بنگرم؛ از خیانت و تضییع حقوق بیماران به‌طور جدی پرهیز کنم؛ نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ایجاب ضرورت شرعی، پایبندی کامل داشته‌[باشم] و خدا را در همه حال حاضر و ناظر شئون خود بدانم».

نتیجه‌گیری

۱) با عنایت به علوم تجربی و بر حسب اختیارات و توانایی اعطایی خداوند متعال به انسان، می‌توان گفت که انسان اشرف مخلوقات و مسلط به علم مسخر خویش، پس از ایجاد شیء، که منحصراً متعلق به خداوند متعال است، قابلیت هرگونه تغییر و تکمیل در روند خلق و آفریده شدن را خواهد داشت. اگرچه ممکن است سبب‌ها و علت‌های مورد نیاز برای اموری که تاکنون صورت نگرفته، فعلاً مهیا نباشد. آنچه می‌باید مورد توجه قرارگیرد، رعایت حرمت‌ها و حریم‌هایی است که شرع مقدس بیان کرده و شایسته است در رعایت نکته‌های اخلاقی دقت بیش‌تری صورت پذیرد تا از انحراف‌هایی که ممکن است برای جامعه‌ی بشری رخ دهد (مثل توالد یک‌جانبه‌ی جنس مذکر یا مؤنث)، جلوگیری شود.

۲) ترغیب و آموزش دانشمندان علوم پزشکی زیر سایه‌ی نظارت حکومتی، فارغ از تبیین سیاسی و مکتب‌های آن (سکولار و لیبرال و ...) و حتی تعیین حقوق بین‌المللی و همگامی با برنامه‌های سازمان حقوق بشر برای پیشگیری از معضله‌های اخلاقی و نقض حقوق انسان‌ها در فناوری‌های نوین، ضروری است و تخصیص دروس‌هایی با همین عنوان‌ها الزامی است که می‌تواند کمک شایانی به بهبود تفکر در این-باره و روش استفاده‌ی ابزاری آن کند. همچنین استفاده از مبانی دینی و در رأس آن احکام فقهی و حقوقی اسلام (البته با استفاده از تفسیر صحیح آن)، برای حفظ کرامت انسانی نیز نتیجه‌ی قابل ملاحظه خواهد داشت.

موضوعی است به نام دین که بنا به تعریف آن، مجموعه‌ی از آموزه‌های مربوط به چگونه زیستن و توصیف‌ها و توصیه‌های دنیوی است که سعادت و شقاوت انسان را در پی دارد (۴۶). اگرچه برخی از دولت‌های استثمارگر و استعمارگر با توجه به رویکرد سیاسی، برای رسیدن به آرزوهای منفی خود، در گسترش دیدگاه خویش با استفاده از مکتب‌های خواهان جدایی دین از زندگی، روش دیگری را در پیش می‌گیرند که آن هم جای نقد و چالش جدی دارد.

درباره‌ی دین و کارکردهای آن، بحث‌های گوناگونی طرح گردیده است که مجال آن در این مقاله نیست، ولی کارکرد اجتماعی دین، که امور اخلاقی نیز زیرمجموعه‌ی آن قرار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی است که در عرصه‌ی زیستی و کنترل افراد جامعه از طریق خود اشخاص، پیگیری-شدنی است، به‌طوری که هرکس می‌تواند پلیس و مراقب خود باشد. این کار، خود به نظم و امنیت جامعه کمک شایانی خواهد نمود، زیرا «باورهای اعتقادی، به ویژه اعتقاد به خدا و معاد، ضامن اجرای ارزش‌ها و هنجارهای دینی است و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش بسزایی دارد» (۴۷). می‌توان در این‌باره، از دین برای پیشگیری از خروج توسعه‌ی نامطلوب و غیراخلاقی علوم پزشکی استفاده کرد و مسیر همگونی برای آن در جهت کرامت انسان‌ها تعریف و تدوین نمود. در قرآن کریم نیز خداوند متعال به شکل‌های مختلف به انسان‌ها دستور می‌دهد در رفتارهای اجتماعی خود همواره عدالت را در پیش گیرند و بر اساس آن رفتار نمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (۴۸)؛ که همین فرمان‌های دینی و قرآنی، مرتبه‌های هدایت انسان در مسیر صحیح زندگی و چگونگی مواجهه با دانش‌های روز را که به ظاهر مغایر با مبحث‌های دینی است، گوشزد می‌نماید و بر نیاز به معرفت دینی و نگرش صحیح برای هدایت تمایلات انسانی راه، همگام با رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی، تأکید می‌کند. به هر حال با تبیین صحیح دین و عملکرد منطقی آن، می‌توان علم را نیز در جهت صحیح آن رشد داد و مانع بروز انحراف-های علمی گردید که عمده‌ی این معضله‌ها ناشی از تفکرهای قرون وسطایی و ندادن پاسخ مناسب کلیسا بوده است، تا جایی که نهضت رفرمیسم^۱ با مبانی سکولار شکل گرفت که منجر به کاهش نفوذ دین در شئون زندگی اجتماعی گردید. این خود گوشزدی برای متخصصان علوم دینی و اخلاقی است که با توجه به آموزه‌های منطقی دین مبین اسلام و قرآن کریم و مخالفت نکردن با پیشرفت‌های علمی روز و حتی ترغیب

^۱ Reform

18. Koleini Y. Kamrei, Translator. *Osol Alkafi*. 3th ed. Tehran: Osve Publication; 1996. Vol 1. P. 431. (Full Text in Persian)
19. The Holy Qu'ran, Nahl, Verse 40.
20. The Holy Qu'ran, Maryam, Verse 35.
21. Koleini Y. Kamrei, Translator. *Osol Alkafi*. 3th ed. Tehran: Osve Publication; 1996. Vol 1. P. 315. (Full Text in Persian)
22. Motahri M. *Majmoeh Asar*. 2th ed. Tehran: Sadra Publishers; 1999. Vol 26. P. 298. (Full Text in Persian)
23. Koleini Y. Kamrei, Translator. *Osol Alkafi*. 3th ed. Tehran: Osve Publication; 1996. Vol 1. P. 434. (Full Text in Persian)
24. Gheraati M. *Tafsir Noor*. 11th ed. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center. 2004. vol 3. P. 326. (Full Text in Persian)
25. Motahri M. *Majmoeh Asar*. 2th ed. Tehran: Sadra Publishers; 1999. Vol 17. P. 396. (Full Text in Persian)
26. Koleini Y. *Osol Alkafi*. 3th ed. Tehran: Dar Alketab Aleslamieh. 2009. Vol 1. P. 155. (Full Text In Arabic)
27. Koleini Y. Kamrei, Translator. *Osol Alkafi*. 3th ed. Tehran: Osve Publication; 1996. Vol 1. P. 445-57. (Full Text in Persian)
28. The Holy Qu'ran, Baghare, Verse 140.
29. The Holy Qu'ran, Vagheh, Verse 59.
30. The Holy Qu'ran, Vagheh, Verse 64.
31. The Holy Qu'ran, Vagheh, Verse 72.
32. The Holy Qu'ran, loghman, Verse 20.
33. Tabarsi F. *Tafsir Javamee Aljamee*. 2th ed. Mashhad: Publications Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. 1995. vol 5. P. 68. (Full Text in Persian)
34. Tabataba M.H. Mosavi-Hamedani M.B, Translator *Tafsir Almizan*. 5th ed. Ghom: Jameat Almoslemin Publishers; 1995. Vol 18. P. 246. (Full Text in Persian)
35. Haghi-Barosvi A. *Tafsir Roh Albayan*. Beyrot: Dar Alfekr. Vol 1. P. 78. (Full Text in Persian)
36. Gheraati M. *Tafsir Noor*. 11th ed. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center. 2004. vol 5. P. 520. (Full Text in Persian)
37. The Holy Qu'ran, Hejr, Verse 21.
38. The Holy Qu'ran, Esra, Verse 85.
39. The Holy Qu'ran, Baghare, Verse 255.
40. Tabataba M.H. Mosavi-Hamedani M.B, Translator *Tafsir Almizan*. 5th ed. Ghom: Jameat Almoslemin Publishers; 1995. Vol 1. P. 99. (Full Text in Persian)
41. Gheraati M. *Tafsir Noor*. 11th ed. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center. 2004. vol 5. P. 521. (Full Text in Persian)

۳) با توجه به گسترش علوم تجربی و دستیابی بشر به پیشرفتهایی در حیطه‌ی توسعه‌ی علوم زیست فناوری، مباحث‌های دیگری مطرح می‌شود که موجب شکل‌گیری موضوع‌هایی در حوزه‌های شرعی، حقوقی، اجتماعی، روانی و اخلاقی می‌گردد؛ پس لازم است امور مرتبط با آن از طریق فقیهان، حقوقدانان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و فیلسوفان مورد بحث قرار گیرد تا در جمع‌بندی یکسانی بتوان ابهام‌های هر کدام از این مباحث‌ها را اعلام یا برطرف کرد.

References

1. The Holy Qu'ran, Rom, Verse 30.
2. Ghanji H. *Mental Health*. Tehran: Arasbaran; 1999. P. 92. (Full Text in Persian)
3. Langman *Medical Embryology*. Hasanzadeh Gh, Abolhasani F, Jameei B, Ghadyani M, Translator. 2th ed. Tehran: Arjmand. ; 2014. Chapter 3. P. 51-61. (Full Text in Persian)
4. The Holy Qu'ran, Shora, Verse 50.
5. Motahri M. *Majmoeh Asar*. 2th ed. Tehran: Sadra Publishers; 1999. Vol 26. P. 296-319. (Full Text in Persian)
6. The Holy Qu'ran, Baghareh, Verse 31.
7. Tabataba M.H. Mosavi-Hamedani M.B, Translator. *Tafsir Almizan*. 5th ed. Ghom: Jameat Almoslemin Publishers; 1995. Vol 1. p. 99. (Full Text in Persian)
8. Motahri M. *Majmoeh Asar*. 2th ed. Tehran: Sadra Publishers; 1999. Vol 26. P. 37. (Full Text in Persian)
9. Saberi Yazdi M. Ansari-Mahalati, translator. *Alhokm Alzahera*. Qom: The Islamic Propagation Organization Publication; 1996. p. 49. (Full Text in Persian)
10. The Holy Qu'ran, Asrae, Verse 31.
11. Sobhani J. *New issues verbal*. Gom: Tovhid; 2008. p. 266. (Full Text in Persian)
12. Majlesi MB. Behar Alanvar. Beyrot: Dar Ehya Altoras Alarabi. 1982. vol 68. P. 382. (Full Text in Arabic)
13. The Holy Qu'ran, Shovra, Verse 49-50.
14. Ragheb-Esfahani H. *Almofradat Fi Gharib Alghoran*. 1th ed. Beyrot: Dar Alelm Aldar Alshamieye. 1991. P. 471. (Full Text in Arabic)
15. Tabataba M.H. Mosavi-Hamedani M.B, Translator *Tafsir Almizan*. 5th ed. Ghom: Jameat Almoslemin Publishers; 1995. Vol 8. p. 209. (Full Text in Persian)
16. Koleini Y. *Osol Alkafi*. Translate by Kamrei. 3th ed. Tehran: Osve Publication. 1996. Vol 1. P. 316.
17. Tabataba M.H. Mosavi-Hamedani M.B, Translator *Tafsir Almizan*. 5th ed. Ghom: Jameat Almoslemin Publishers; 1995. Vol 8. P. 210. (Full Text in Persian)

42. Derayati M, Derayati H, Translator. Ghorar-Alhekam And Dorar-Alhekam. Tehran: Islamic Propagation Office Publications; 1999. P.1003-10. (Full Text in Persian)

43. Darvish M. One day, in the name of clean air. The Jame Jam 2013 Jan 17 ; P.11. (Full Text in Persian)

44. Farsnews.com. Org [homepage on the Internet]. Tehran: Iran imports \$ 5 billion biotech products / seal "carcinogenic and unhealthy" on GM crops in America . 2015. Available from: <http://www.farsnews.com/newstext.phpnn=13940414000618>

45. Moradpur R, Rezaei-Tavirani M, Ahmadi N.A, Nakhaei- Moghadam M. Ethical and Islamic Considerations about Transgenic Animals. Journal of Research on Religion & Health .2015;4(1):45-54. (Full Text in Persian)

46. Khosropanah A. New word of the eslamic approach. Qom: The representative of the Supreme Leader publication; 2009. P.63. (Full Text in Persian)

47. Khosropanah A. New word of the eslamic approach. Qom: The representative of the Supreme Leader publication; 2009. p.291. (Full Text in Persian)

48. The Holy Qu'ran, Nesa, Verse 135.